



An Elucidation of the Concept of Basirah (Insight) from the Qur'anic Perspective Based on the Lexical Research Model and Its Application in Management *

Seyyed Ali Ahmad Rezaei*

Abstract

Basirah (insight) is recognized as one of the key pillars in maximizing managerial effectiveness, particularly in divine and compassionate management, which operates with reliance on limited resources and is oriented toward predefined objectives. Possessing this quality safeguards managers against potential deviations and, by providing a realistic understanding of truths, establishes a foundation for informed and sound decision-making. Given the Qur'anic roots of the term "basirah" and the status of the Holy Qur'an as a guide for human guidance, conceptual clarification of this term and its alignment with management principles holds strategic significance. This study aims to examine the role of insight in management and to elaborate on the functions of insightful managers. It has been conducted using a descriptive-analytical method, grounded in the Qur'anic lexical research model and its application to managerial concepts. The findings indicate that aligning management with insight leads to accelerated achievement of objectives, enhanced prudence and vigilance in confronting complex situations, avoidance of surrender or passivity, clear discernment between truth and falsehood, and the effective utilization of past experiences as guiding models. Accordingly, based on revelatory teachings, an insightful manager is one who embodies a synthesis of profound vision, rationality, continuous vigilance, and comprehensive understanding

Keywords: Islamic Management, Managerial Insight, Rationality in Management, Insight and Management.

*. Received: ۲۲/۰۷/۱۴۰۴ SH (۱۴/۱۰/۲۰۲۵ CE) and Accepted: ۱۵/۱۰/۱۴۰۴ SH (۰۵/۰۱/۲۰۲۶CE).

*. MA Graduate in Interpretation and Quranic Sciences, Al-Mustafa International University (PBUH), Higher Education Complex of Quran and Hadith, (Corresponding Author): rezaeesayedaliahmad313@gmail.com



تبیین واژه بصیرت از منظر قرآن مبتنی بر الگوی واژه‌پژوهی و کاربست آن در

مدیریت*

سید علی احمد رضایی*

چکیده

«بصیرت» به عنوان یکی از ارکان کلیدی در اثربخشی حداکثری مدیریت، به‌ویژه در مدیریت الهی و رحمانی که با اتکا به منابع محدود و جهت‌گیری به سوی اهداف ترسیم‌شده عمل می‌کند، شناخته می‌شود. بهره‌مندی از این ویژگی، مدیران را در برابر لغزش‌های احتمالی مصون داشته و با فراهم آوردن درک واقع‌بینانه از حقایق، بستر تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شناخت صحیح را فراهم می‌آورد. با عنایت به ریشه‌های قرآنی واژه «بصیرت» و جایگاه قرآن کریم به عنوان راهنمای هدایت بشر، تبیین مفهومی این اصطلاح و انطباق آن با مبانی مدیریت، از اهمیت راهبردی برخوردار است. این پژوهش با هدف واکاوی نقش بصیرت در مدیریت و تشریح کارکردهای مدیران بصیر، به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر الگوی واژه‌پژوهی قرآنی و تطبیق آن با مفاهیم مدیریتی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که همسویی مدیریت با بصیرت، موجب تسریع در دستیابی به اهداف، افزایش درایت و هوشیاری در مواجهه با شرایط پیچیده، پرهیز از تسلیم‌شدگی، تمایز قاطع حق از ناحق و بهره‌گیری از تجارب گذشته به عنوان الگوهای راهنما می‌گردد. بر این اساس، مدیر بصیر بر اساس آموزه‌های وحیانی، فردی است که از ترکیب بینش عمیق، عقلانیت، هوشیاری مستمر و درک جامع برخوردار است.

واژگان کلیدی: مدیریت اسلامی، بصیرت مدیریتی، عقلانیت در مدیریت، بصیرت و

مدیریت.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

* دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه (ص)، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

rezaeesayedaliahmad313@gmail.com



مقدمه

یکی از وظایف مهم و کاربردی مدیریت تصمیم‌گیری است. برای آنکه تصمیم‌گیری مؤثر واقع شود اندیشمندان دانش مدیریت، مطالبی را تحت «عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری» در کتب رفتار سازمانی تدوین نمودند. برخلاف دانش رایج مدیریت آموزه‌های وحیانی عواملی را اشاره نموده که با به کارگیری آن، توان و قدرت تصمیم‌گیری در مدیران را مضاعف می‌نماید که یکی از آن عوامل «بصیرت» است. طبیعی است که انسان‌ها در زندگی، مدیران در جایگاهشان، با فتنه‌ها و تاریکی‌های مواجه می‌شوند که برای برون‌رفت از آن نیاز به بصیرت دارند. مادامی که بصیرت، درک درست و روشن‌بینی در انسان به وجود آمد در آن صورت راه برون‌رفت فراهم و هموار خواهد شد. بصیرت و آگاهی از نشانه‌های مدیران الهی شمرده شده است. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف/۱۰۸)؛ من این راه را بی‌اطلاع یا از روی تقلید نمی‌پیمایم، بلکه از روی آگاهی و بصیرت، خود و پیروانم همه مردم جهان را به سوی این طریقه می‌خوانیم (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۹۶).

در اهمیت و ضرورت داشتن بصیرت همین بس که با عنایت به آموزه‌های وحیانی، رهبران الهی که دارای بصیرت بودند از آنها به‌خوبی یاد شده، آنجا که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ الذِّكْرُ عِبَادَنَا إِبرَاهِيمَ وَ إسْحَاقَ وَ یعْقُوبَ أُولِي الأُیْدِی وَ الأَبْصَرَ» (ص/۴۵)؛ و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، که صاحبان دستان (نیرومند) و چشمان (بابصیرت) بودند. از سوی نیز آن دسته از افرادی که فاقد بصیرت بوده و از آن بهره‌ای ندارد، در واقع کور و در شناخت و تشخیص راه، دچار مشکل است. همان‌گونه که پیامبر گرامی می‌فرماید: «لَیْسَ الأَعْمَى مَنْ یَعْمَى بَصَرُهُ إِنَّمَا الأَعْمَى مَنْ نَعَمَی بَصِیرَتُهُ»؛ کور آن نیست که چشم او کور است، کور آن است که بصیرت کور است.» (بحرانی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۹۱۴) در حوزه تصمیم‌گیری و عوامل مؤثر بر آن، اندیشمندان علوم مدیریت در کتب مرجع «رفتار سازمانی» به‌طور مفصل بحث کرده‌اند؛ اما



هیچ یک به تبیین واژه «بصیرت» از منظر قرآن کریم، مبتنی بر الگوی واژه پژوهی و کاربست آن در مدیریت نپرداخته‌اند. با توجه به اینکه بر اساس آموزه‌های وحیانی، بصیرت نقشی کلیدی در تمامی عرصه‌های مدیریت، به‌ویژه در فرآیند تصمیم‌گیری ایفا می‌کند، بررسی این مفهوم و تبیین جایگاه آن در مدیریت از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است.

پیشینه پژوهش

مسئله مورد بررسی در این پژوهش، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های مدیریت و سایر رشته‌های مرتبط قرار گرفته است. نتایج جستجو در منابع معتبر کتابخانه‌ای، پایگاه‌های داده علمی و نشریات تخصصی نشان می‌دهد که حجم قابل توجهی از مطالعات نظری و کاربردی در این حوزه انجام شده است که در ادامه به اجمالی به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.



سال چاپ	نویسنده	اسم اثر	منابع عام در موضوع پژوهش
۱۳۹۱	سید حسین حر	بصیرت از منظر قرآن و روایات	
۱۳۹۵	حسین زاده جواد	بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم	
۱۳۸۹	مرضیه ندافی	نگاهی به آثار بصیرت در قرآن	
۱۴۰۰	ناهید شیرپور	مفهوم شناسی واژه بصیر در قرآن کریم	
۱۳۷۸	نادرقلی قورچیان	بصیرت‌ها، چالش‌ها و شیوه‌های نو در مدیریت دانشگاهی	
۱۳۷۵	ازکلی محمد	نقش رفتارهای رهبران بصیر در بهبود بهره وری نظام اداری	
۱۳۹۵	اکرم نصرآزادانی	رهبری و بصیرت: نقش رهبری در بصیرت جامعه اسلامی	
۱۳۹۰	حسین ابراهیمی	بصیرت از بطن دین تا باطن دنیا	
۱۳۸۸	محمد محمدی ری شهری	فرهنگ نامه بصیرت	



سال چاپ	نویسنده	اسم اثر	مقالات	منابع عام در موضوع پژوهش
۱۳۹۱	سید حسین حر	بصیرت از منظر قرآن و روایات		
۱۳۹۵	حسین زاده جواد	بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم		
۱۳۸۹	مرضیه ندافی	نگاهی به آثار بصیرت در قرآن		
۱۴۰۰	ناهید شیرپور	مفهوم شناسی واژه بصیرت در قرآن کریم		
۱۳۷۸	نادرقلی قورچیان	بصیرت‌ها، چالش‌ها و شیوه‌های نو در مدیریت دانشگاهی		
۱۳۷۵	ازکلی محمد	نقش رفتارهای رهبران بصیرت در بهبود بهره وری نظام اداری	کتاب	
۱۳۹۵	اکرم نصرآزادانی	رهبری و بصیرت: نقش رهبری در بصیرت جامعه اسلامی		
۱۳۹۰	حسین ابراهیمی	بصیرت از بطن دین تا باطن دنیا		
۱۳۸۸	محمد محمدی ری شهری	فرهنگ نامه بصیرت		

بررسی دقیق و نظام‌مند منابع موجود، حاکی از آن است که تاکنون پژوهش مستقلی با عنوان «تبیین واژه بصیرت از منظر قرآن کریم مبتنی بر الگوی واژه‌پژوهی و کاربست آن در مدیریت» شناسایی نشده است. با توجه به خلأ موجود در ادبیات پژوهشی تلفیقی میان مفاهیم قرآنی (به‌ویژه بصیرت) و مبانی مدیریت، می‌توان نتیجه گرفت که پژوهش حاضر، نخستین اثر علمی است که به صورت اختصاصی به این موضوع پرداخته و می‌تواند به عنوان یک نوآوری علمی در این حوزه مورد استناد قرار گیرد.



روش پژوهش

این پژوهش با روش «توصیفی-تحلیلی» و با رویکرد امکان‌سنجی انجام شده است. در این راستا، از مدل پژوهشی در حوزه مطالعات سازمان و مدیریت، به‌ویژه در گرایش رفتاری، بهره‌برداری شده است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و از طریق مراجعه به منابع لغوی، تفسیری، روایی و متون مدیریت اسلامی صورت پذیرفته است. در مرحله تحلیل، برای تبیین واژه «بصیرت» از منظر قرآن کریم، از «روش استنطاقی» شهید صدر (ره) استفاده شده است. بر این اساس، موضوع «تبیین واژه بصیرت مبتنی بر الگوی واژه‌پژوهی و کاربرد آن در مدیریت» به قرآن عرضه گردید و معانی استخراج‌شده، دسته‌بندی و تحلیل شدند.

مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به مرحله واکاوی و تحلیل محتوا، تبیین دقیق و شفاف مفاهیم بنیادین پژوهش، گامی اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. این مفاهیم، چارچوب نظری و اسکلت فکری مطالعه را تشکیل می‌دهند و تعیین مرزهای معنایی آن‌ها، از بروز ابهامات تفسیری جلوگیری کرده و درک مشترکی را میان پژوهشگر و خواننده ایجاد می‌کند. لذا، در ادامه به تعریف عملیاتی و نظری واژگان کلیدی این پژوهش پرداخته می‌شود.

۱. مدل (الگو)

مدل (model)، در نزد لغت‌شناسان به معانی، نمونه، سرمشق، طرح، الگو (عمید، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۷۸۱)، هادی، راهنما، دلالت‌کننده، هدایت‌کننده (انوری، ۱۳۸۱، ج ۷: ۶۸۲۵) به کار گرفته و در اصطلاح عبارت است از برقراری یک تمثیل سنجیده بین یک پدیده و پدیده‌های دیگر که در دست تحقیق است؛ به عبارت دیگر مدل دستگاهی از مفاهیم یا پدیده‌های آشنا



همراه با استعارهای نظام‌مند هستند که قدرت تبیینی دارند (ایان بور بور، ۱۳۶۲: ۱۹۲-۱۹۳) به- عبارت دیگر، مدل ترجمان و برداشتی از واقعیتی است که دارای متغیرها و اجزای مرتبط به هم بوده و در مدل ارتباط آن‌ها مشخص و ترسیم می‌شود (الوانی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۳) مدل‌ها را در دنیای واقعی می‌توان نسخه کوچک‌شده یک شیء یا یک پدیده نامید که بیشترین شباهت‌ها و حتی خصوصیات پدیده اصلی را در خود منعکس کرده است. از این‌رو، مدل‌ها چیزی ساده‌تر با پیچیدگی کمتر از واقعیت اصلی بوده و تمام جنبه‌های واقعیت را در بر نمی‌گیرند. در علوم انسانی، مدل‌ها جزء تفکیک‌ناپذیر یک پدیده بوده و در جریان تصمیم‌گیری و اجرای یک فراگرد نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کنند (فرهنگی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۳-۵۴). با توجه به مبانی فوق، در این پژوهش، مدل به عنوان چارچوبی مفهومی تعریف می‌شود که با استخراج متغیرهای کلیدی مرتبط با «بصیرت» و «مدیریت»، و ترسیم روابط علی و معلولی میان آن‌ها، ساختاری نظام‌مند و تبیین‌گر ارائه می‌دهد تا بتواند کارکردهای مدیران بصیر را در بستر منابع محدود و اهداف سازمانی، به صورت ساده‌شده اما دقیق از واقعیت بازتاب دهد.

۲. مدیریت

صاحبان نظر و دانشمندان مدیریت برای مدیریت تعاریف متعددی بیان نمودند که در اینجا نیز به اهم آنها اشاره می‌شود. ۱- مدیریت، فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول، صورت می‌گیرد (رضائیان، ۱۳۸۷: ۷). ۲- مدیریت، علم و هنر هماهنگ نمودن کوشش‌ها در یک سازمان و استفاده از منابع برای نیل به اهداف معین است (الوانی، ۱۳۷۱: ۸). پس در یک جمع‌بندی از تعاریف فوق می‌توان



گفت: مدیریت، علم و هنری است که با به‌کارگیری نیروی انسانی، مادی، فیزیکی و معنوی، برای نیل به اهداف از قبل تعیین شده با ضوابط و قوانین بشری و الهی، پرداخته می‌شود.

۳. تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری یکی از مفاهیم بنیادین و پیچیده در ادبیات مدیریت است که تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. در ادامه به مهم‌ترین این تعاریف اشاره می‌شود:

برخی از پژوهشگران معتقدند که تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های مختلف (الوانی، ۱۳۷۸: ۳۶۰). گروه دیگری آن را به‌عنوان یک فرآیند می‌شناسند که شامل شناسایی مسئله، انتخاب یک راه‌حل، یا بهره‌برداری از یک فرصت یا موقعیت است (استونر، ۱۳۷۵). همچنین عده‌ای دیگر بر این باورند که فرآیند تصمیم‌گیری شامل مراحل مشخصی است که به شرح زیر می‌باشد: شناسایی، تعریف و تشخیص مسائل؛ یافتن شیوه‌های مختلف برای حل مسائل؛ ارزیابی راه‌حل‌های پیشنهادی و در نهایت انتخاب بهترین شیوه یا راه‌حل (ایران‌نژاد پاریزی، ۱۳۷۱). این تعاریف نشان‌دهنده پیچیدگی و چندوجهی بودن فرآیند تصمیم‌گیری هستند و نمایانگر آن‌اند که این عمل فراتر از صرفاً انتخاب یک گزینه، حاوی مراحل تحلیلی و استراتژیک است. با توجه به مبانی فوق، در این پژوهش، تصمیم‌گیری به‌عنوان فرآیندی نظام‌مند تعریف می‌شود که طی آن، مدیر بصیر با شناسایی دقیق مسائل و فرصت‌ها، گزینه‌های متعددی را برای حل آن‌ها شناسایی کرده، آن‌ها را بر اساس معیارهای صحیح ارزیابی نموده و در نهایت بهترین گزینه را که منجر به دستیابی به اهداف سازمانی با کمترین ریسک و بیشترین کارایی می‌شود، انتخاب می‌نماید.



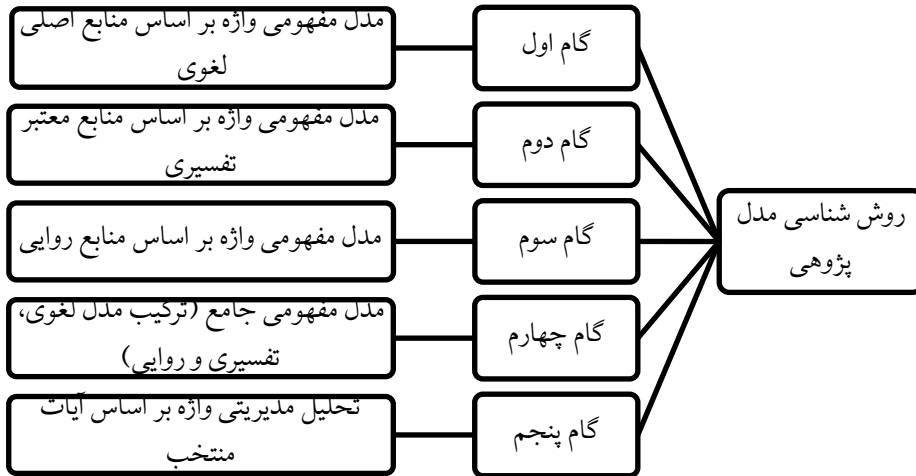
۴. سازمان

سازمان، موجود فنی و اجتماعی است که مرزهای مشخصی دارد و با اجزای هماهنگ، به طور آگاهانه و مستمر جهت تحقق اهداف خاص فعالیت می‌کند. موجودیت فنی به اهداف، منابع و تجهیزات و قوانین و مقررات اشاره دارد و موجودیت اجتماعی سازمان به خاطر وجود انسان است که ماهیت اجتماعی داشته، با افراد و گروه‌های دیگر تعامل دارد. (قلی‌پور، ۱۳۸۰: ۲۳؛ رضائیان، ۱۳۸۷: ۱۰) مفاهیم یاد شده در الگوی زیر به نمایش درآمده است.

روش مدل واژه‌پژوهی

سیر مطالعات علوم انسانی و دانش سازمان و مدیریت نشان می‌دهد که روش‌های مختلفی با انگاره‌های متفاوتی که پژوهشگران از خود نشان می‌دهند وجود دارد و محمل اصلی گسترش، تقویت و غنابخشی به دانش بشر از اینجا نشئت می‌گیرد و هر نویسنده‌ای بر پایه یافته‌های خود تلاش کرده است در راستای عرصه دانشی خویش از روش‌های متناسب بهره‌گیری. براین اساس در این نوشتار تلاش شده است که «مدل - پژوهشی» با کاربست واژه «بصیرت» به صورت عملی ترسیم گردد. هرچند قرائن برخی از فرایندهای این روش‌شناسی در فعل نویسندگی پژوهشگران وجود داشته است به صورت ضمنی از جانب آن‌ها رعایت شده است، ولی طراحی روش‌شناسی آن می‌تواند گام مؤثری در این حوزه در ارتقای این گونه پژوهش‌ها بوده و نویسندگان را در ارائه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای با چارچوب منظم یاری رساند؛ بنابراین نویسندگان مقاله تلاش دارد روش‌شناسی مدل پژوهشی را با فرایند زیر محضر پژوهشگران ارائه نماید. (حکیمی: ۱۳۹۷)

در شکل زیر فرآیند روش مدل واژه پژوهی به نمایش درآمده است.



فرایند روش مدل واژه‌پژوهی با کاربرست واژه قرآنی بصیرت

همان‌گونه که در روش شناسی یاد شد، فرایند انجام مدل پژوهشی در پنج گام به تصویر کشیده شده است که برآیند نظریه یا مدل‌سازی از منظر آموزه‌های قرآنی است.

۱. مدل لغوی مفهوم واژه بصیرت

واژه «بصیرت» در نزد لغت‌شناسان به معانی ذیل به کاررفته: عقل، زیرکی، حجت، عبرت و شاهد آمده است (شرتونی لبنانی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۴۵)؛ بینایی با چشم، مخالف ضریر که بی‌بهره از چشم است و عالم دانسته است (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۹۱)؛ «باء و صاد و راء» (بصر)، دو معنای اصلی دارد: یکی عبارت است از علم به چیزی؛ گفته می‌شود: «هُوَ بَصِيرٌ بِهِ» یعنی او به آن چیز، داناست... بصیرت به معنای سپر است و به معنای برهان هم آمده است. اصل همه این‌ها، روشن بودن چیزی است... اما معنای اصلی دوم، درشتی و [زمختی] است. از همین معناست «بَصْرٌ» که عبارت از دو چرم را بر هم دوختن، چنان که کناره پارچه، دوخته می‌شود. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۵۵۳-۵۵۴) ابن منظور، «بصر» و «بصیرت» را چنین معنا کرده است: بصر، یعنی چشم؛



بصیرت، یعنی حجت... بصر، یعنی نفوذ در دل. «بصر القلب»، به نگاه و خطور آن می‌گویند و بصیرت، یعنی عقیده قلبی... بصیرت، یعنی هوش... «فَعَلَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی قصد و آگاهی «عَلَىٰ غَيْرِ بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی غیر یقین... «عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَىٰ عَلَىٰ مَعْرِفَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ يَقِينٍ»، یعنی: با داشتن یقین و شناخت در کار شما... بصیرت، یعنی عبرت... بصر، یعنی علم. «بَصُرْتُ بِالشَّيْءِ»، یعنی، آن چیز را دانستم... و بصیر به معنای عالم است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴: ۶۵-۶۴).

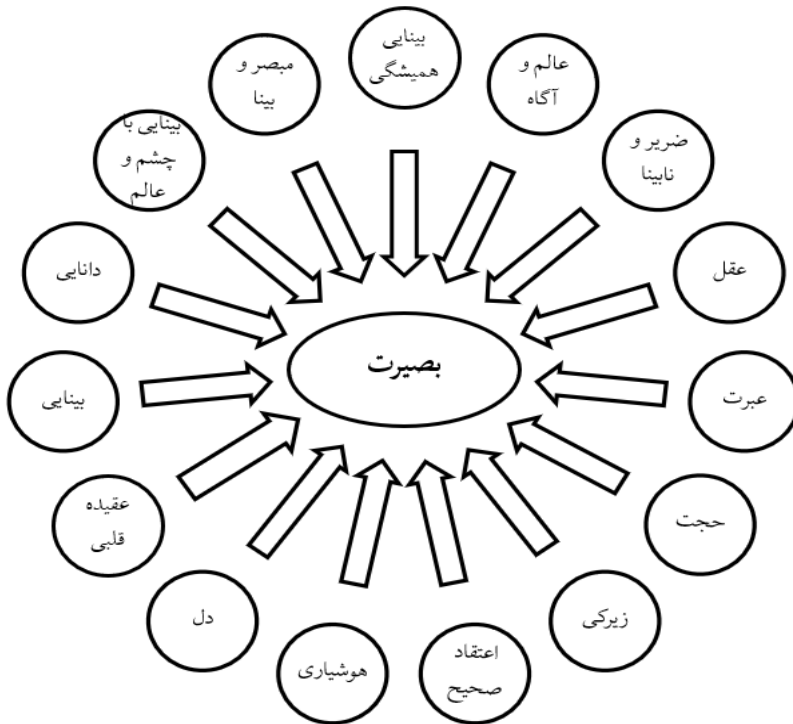
برخی از لغت‌شناسان نوشتند: به اعتقاد قلبی نسبت به دین و حقیقت امر بصیرت گفته می‌شود. هم چنین بصیرت به معنای عبرت، نیز آمده است. (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۱۱۷-۱۱۸)؛ مُبْصِر و بینا (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۴۱۸)، عالم و آگاه (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۰۴، اریانی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۵۴۱) ضریر و نابینا (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۹)؛ برخی به معنای مُسْتَبْصِر: «بَصْر» نیروی بینایی و دانایی است، از این رو به چشم نیز «بَصْر» گفته می‌شود. «بصیرت» به معنای ژرف نگری و نگاه نافذ قلبی به چیزی است (همان: ۱۲۷)؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۶۵؛ مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۸۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۳۵۵) و برخی آن را صفت مشبهه بر وزن فعل، از ریشه (بصر) و به معنای بینای همیشگی (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۸۲) همچنین به معنای دانایی، بینایی، بینایی دل، هوشیاری، زیرکی و یقین آمده است (معین، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۳۴)، بصر به معنای حس بینایی و علم است و بصیرت، حجت و استبصار در شیء معنا شده است (جوهری، ۱۳۹۹ق، ج ۲: ۵۹۱-۵۹۲).

از مجموع کلمات اهل لغت و موارد استعمال آن استفاده می‌شود که «این واژه نخست به معنی عضو بینائی و سپس قوه بینائی است و بعد به معنی درک باطنی و علم به کار رفته، و در مورد خداوند به معنی احاطه وجودی او به تمام دیدنی‌ها است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۱۲) با در نظر گرفتن آن چه در تبیین معنای بصیرت ذکر شد این واژه، در معنای گوناگونی



به کاررفته است؛ مانند: دانش، بینش دل، نور دل، آگاهی، زیرکی، هوشیاری، برهان، عبرت و اعتقاد صحیح دینی. اما همه این معانی، در واقع همان‌طور که ابن فارس گفته، به معنای اولیه ماده بصیرت بازمی‌گردند؛ حتی اطلاق «بصر» به چشم نیز بدان جهت است که چشم، یکی از مهم‌ترین راه‌های تحصیل علم و معرفت است (حداد عادل، ۱۳۸۶، ج ۳: ۴۸۴) بصیرت در اصطلاح، عبارت است از قوه‌ای در قلب شخص، که به نور قدسی منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند (رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۶: ۲۶۳) در ادامه به نمودار معنای بصیرت در نزد صاحبان نظر لغت‌شناسان، اشاره می‌شود.

بگاره (۱) مدل لغوی مفهوم واژه بصیرت.





۲. مدل تفسیری مفهوم واژه بصیرت

واژه «بصیر» از جمله اسمای خدای متعال بوده که ۴۲ بار در قرآن ذکر شده با این تفاوت که ۱۰ بار به همراه صفت «سمیع» (نساء/۵۸ و اسراء/۱۳۴، اسراء/۱، حج، ۶۱ و ۷۵، لقمان/۲۸، غافر/۲۰ و ۵۶، شوری/۱۱، مجادله/) و ۵ بار با صفت «خبیر» (اسراء/۱۷، ۳۰ و ۹۶، فاطر/۳۱، شوری/۲۷) و ۲۷ بار به تنهایی به کار رفته است. این واژه نیز دارای مشتقات ذیل می باشد. «بَصْر» که جمع آن ابصار، به معنای چشم یا قوه بینایی است (قیامه/۱۴، نحل/۷۷، احزاب/۱۰، ق/۲۲ و...)، «اولی الابصار» به معنی صاحبان بینش و پندگیری (آل-عمران/۱۳، نور/۴۴، حشر/۲) «مبصر» به معنی روشنایی دهنده (یونس/۶۷، نمل/۸۶، غافر/۶۱) «مستبصر» یعنی کسی که بین حق و باطل تمیز می دهد و یا طالب بصیرت و آگاهی است (عنکبوت/۳۸) به صورت کلی معانی واژه بصیر در جدول زیر به تصویر کشیده شده است.



ردیف	سوره	آیه	متن	مفاهیم
۱	بقره	۹۶	وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ	بینایی خدا نسبت به آرزوهای باطل.
		۱۱۰	إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خدا به آنچه می‌کنند داناست.
		۲۳۳	أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	بینایی خدا نسبت به صادق و کاذب بودن مردم.
		۲۳۷	إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	دانایی خدا نسبت به انجام دستوراتش از سوی مردم.
		۲۶۵	وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	بینایی خدا و آگاهی او از کیفیت انجام اوامرش.
۲	آل- عمران	۱۵	وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ	دانایی خدا نسبت به کسانی که از آلودگی‌های اخلاقی دور می‌کنند
		۲۰	وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ	خدا نسبت به تمام اعمال آشکار و پنهان محاسبه‌کنندگان، عالم است
		۱۵۶	وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	بینایی خدا نسبت به اعمال درون و بیرون مردم.
		۱۶۳	وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ	آگاهی خدا نسبت به ایمان مردم.
۳	مائده	۷۱	وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ	دانایی خدا نسبت به مکر و حيله بنی‌اسرائیل
		۳۹	فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	آگاهی خدا نسبت به صحت و کذب رفتارهای مردم
۴	انفال	۷۲	وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خداوند از تلاش و سستی بندگان نسبت به دستوراتش آگاه و بینا است.
		۱۱۲	إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خداوند بیناست نسبت به آنهایی که استقامت دارد
۶	حج	۶۱	وَ أَنْ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ	خداوند تقاضای مؤمنان را شنیده و حال و کار آنها آگاه است.
		۷۵	إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ	خداوند نسبت به کارهای رسولانش شنوا و بیناست.
۷	لقمان	۲۸	إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ	خداوند از درون کفار و نیات آنها بینا است.
۸	سبا	۱۱	إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خداوند عالم و دانا است به آنچه بندگان انجام می‌دهد.
۹	فاطر	۳۱	إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ	خداوند با دانایی و بینایی از ظواهر و باطن انسان‌ها آن را تصدیق می‌کند.
۱۰	غافر	۴۴	إِنَّ اللَّهَ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ	خداوند نسبت به الحوالات بندگان بینا است.
۱۱	فصلت	۴۰	إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خداوند نسبت به آنهایی که در آیاتش کژی می‌کنند بینا است.
۱۲	شورا	۲۷	إِنَّهُ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ	خداوند نسبت به طغیان بندگان نسبت به اثر ثروت بینا و آگاه است. است.



۱۳	حجرات	۱۸	وَاللَّهُ بِصِيرِ مَا تَعْمَلُونَ	هر آنچه در زمین و آسمان نماند است خدا می‌داند.
۱۴	حدید	۴	وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خداوند نسبت به آنچه از آسمان و زمین پایین و بالا می‌رود بینا است.
۱۵	مجادله	۱	إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ	خداوند نسبت به حرف‌های که در خفا بین دو نفر صورت می‌گیرد بینا است.
۱۶	ممتحنه	۳	وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خداوند از دوستی و دشمنی که با فرزندانان دارید همه را بینایی دارد.
۱۷	تغابن	۲	وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ	خداوند نسبت به عمل که کافر و مؤمن انجام می‌دهد هر دو را می‌داند
۱۸	ملک	۱۹	إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ	خداوند نسبت به کیفیت خلقی پرنندگان بینا است.

واژه «بصیر» در آیه «وَاللَّهُ بِصِيرِ مَا يَعْمَلُونَ» (بقره/۹۶) به تنهایی استفاده شده و به معنای ذیل به کاررفته است. همچون: بینا (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۵۸) برخی معتقد است که از اسماء حسناى الهی است، و معنایش علم بدی‌دنی‌ها است، نه اینکه به معنای بینا و دارای چشم باشد، و در نتیجه بصیر از شعب اسم علیم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۴۵) برخی آن را به معنای دانا و آگاه دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۷۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۵۰) در آیه «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (فاطر/۱۹) به معنای بینائی دل (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۶: ۱۰۵)؛ جاهل و عالم (میددی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۱۷۶)؛ کافر و مؤمن (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۶۰۸) در آیه شریفه: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (یوسف/۱۰۸) (ای پیامبر) بگو: «این راه من است! که من و هر کس مرا پیروی می‌کند، با شناخت، (مردم را) به سوی خدا فرا می‌خوانیم؛ و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم. هم‌چنین واژه بصیرت به معنای یقین و معرفت و دلیل قاطع نه از روی تقلید دانسته شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲/۳۱۱).



بر اساس دیدگاه امام خامنه‌ای در آیه فوق، خدای متعال بصیرت را خود نسبت داده و پیامبر (ص) و پیروان او را نیز اهل بصیرت دانسته می‌فرماید: «خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مگه می‌فرماید: ای پیغمبر! من بابصیرت حرکت می‌کنم؛ «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»؛ خود پیغمبر با بصیرت حرکت می‌کند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مگه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه‌ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵، <https://khl.ink/f/18178>).

معظم له در بیانات دیگر به تعریف بصیرت و نقش آن پرداخته می‌فرماید: بصیرت یعنی چه؟ بصیرت یعنی تیزبین بودن و راه درست را شناختن. بایستی مراقبت کرد که انسان در شناخت راه درست اشتباه نکند؛ در غبار آلودگی فتنه‌ها بتواند راه را پیدا کند و بفهمد راه درست چیست؛ بصیرت به این معنا است (امام خامنه‌ای، بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱، <https://khl.ink/f/47510>).

هم چنین در بیانات دیگر بصیرت را عامل نقشه‌راه دانسته می‌فرماید: بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کجراهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹، <https://khl.ink/f/18496>). نیز بصیرت را به قبله‌نما و نورافکن تشبیه نموده می‌فرماید: بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. قطب‌نما لازم است؛ بخصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب‌نما نبود، یک وقت شما می‌بینید بی‌سازوبرگ در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته‌اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما بر نمی‌آید



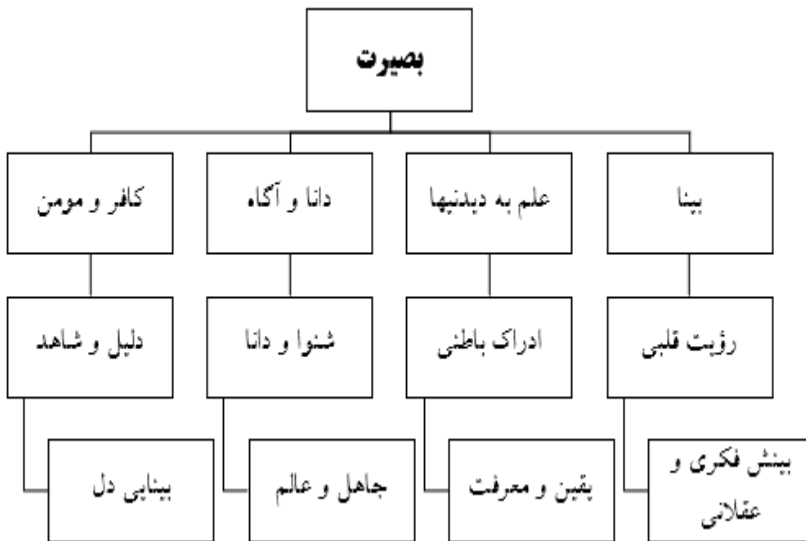
(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴،
<https://khl.ink/f/10456>).

برخی این واژه را ذیل آیه شریفه «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» (قیامت/۱۴) به معنای رؤیت قلبی و ادراک باطنی دانسته است. همچنین در زمینه معنای واژه «بصائر» در آیه «فَدَّ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ» (انعام/۱۰۴) می‌نویسند: «بصائر» جمع «بصیره» از ماده «بصر» به معنی دیدن است، ولی معمولاً در بینش فکری و عقلانی به کار برده می‌شود، و گاهی به تمام اموری که باعث درک و فهم مطلب است، اطلاق می‌گردد، و در آیه فوق به معنی دلیل و شاهد و گواه آمده است و مجموعه دلالتی را که در آیات گذشته در زمینه خداشناسی گفته شد در بر می‌گیرد بلکه مجموع قرآن در آن داخل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۹۰).

در آنجا که این واژه باصفت «خبیر» به کاررفته از جمله در آیه شریفه «... وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ بُدْثُوبَ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء/۱۷) مفسرین آن را به معنای، دانا و آگاه (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۵: ۳۸) دانسته و یا در آیه «... إِنَّهُ يُعْبَادُهُ خَبِيرٌ بَصِيرٌ» (شورا/۲۷) آن را به معنای دانا و بینا دانسته است. به درستی که خدای تعالی به احوال بندگان خود دانا و بیناست (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۲) خدا دانا و بینا است نسبت به مصالح بندگان خود (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵: ۲۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۹۰) و در آنجا که این واژه باصفت «سمیع» به کاررفته است از جمله در آیه «... وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (حج/۶۱) معنای آن شنوا و داناست چنانچه مفسرین به این معنا اشاره نموده است. خدا اقوال ظالمان و مظلومان را می‌شنود و به حال آنها داناست لذا مظلومان را به ظالمان نصرت می‌دهد (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۷: ۷۹؛ زبیدی، ۱۴۲۸ق، ج ۵: ۵۳).



برخی از مفسرین بصیرت را به معنای بینایی قلبی دانسته می‌نویسند: مراد از بصیرت همان بینایی قلب است، پس قلب انسان ذاکر، شاهد و بیناست، چنان که قلب انسان غافل و فراموشکار، نابیناست (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۸۹). دیدگاه مفسرین در معنای واژه بصیرت، در جدول زیر به تصویر کشیده شده است.



نگاره (۲) مدل مفهومی واژه بصیرت از منظر آیات.

۳. مدل مفهوم بصیرت از منظر منابع روایی

در منابع روایی، پیرامون معنای بصیرت، روایات متعددی از ائمه معصومین (ع) صادر شده است که ذکر همه آنها از ظرفیت این مقاله به دور است و تنها به برخی از اهم آنها اشاره می‌شود: ۱- در روایتی اشاره به آن دارد که آگاهی و حقیقت‌بینی در شناخت دشمن همراه با امام علی (ع) بوده است همان گونه که خود می‌فرماید: «همانا آگاهی و حقیقت‌بینی، با من همراه است، نه حق را از خود پوشیده داشته‌ام و نه بر من پوشیده بود، همانا ناگفتن (اصحاب جمل)



گروهی سرکش و ستمگرند، خشم و کینه، و زهر عقرب، و شبهاتی چون شب ظلمانی در دل‌هایشان وجود دارد...» (نهج‌البلاغه: خ ۱۳۷).

برخی از روایات اشاره به بصیرت و آگاهی در مقابله با دشمن دارد. چنانچه امام علی (ع) نامه‌ای به محمد بن ابی‌بکر نوشته و به او اینگونه سفارش می‌کند: «... پس برای مقابله با دشمن، سپاه را بیرون بیاور، و با آگاهی لازم به سوی دشمن حرکت کن، و با کسی که با تو در جنگ است آماده پیکار باش. مردم را به راه پروردگارت بخوان، و از خدا فراوان یاری خواه که تو را در مشکلات کفایت می‌کند، و در سختی‌هایی که بر تو فرود می‌آید یاری‌ات می‌دهد ان شاء الله» (نهج‌البلاغه: ن ۳۴) ۳- از پیامبر خدا (ص) پرسیدند: چه کسی سزاوار دریافت زکات است؟ فرمود: مستضعفان از شیعه محمد و خاندان او، آنان که بصیرت دینی شان قوی نیست؛ اما کسی که بصیرت او قوی است و به سبب ولایت اولیا و برائت از دشمنان معرفت او نیکو شده، برادر دینی شماست که در مقایسه با برادران پدری و مادری [که فاقد این بصیرت دینی اند] آنان به شما نزدیک‌ترند (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۹: ۲۲۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۳۲۴).

امام علی (ع) می‌فرماید: کسی که با چشم بصیرت به آن (دنیا) بنگرد او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنیا دوزد کور دلش می‌کند (نهج‌البلاغه، خ ۸۲) ۵- بینا و شنوا: امام صادق (ع) در پاسخ زندیقی که به آن حضرت عرض کرد آیا خدا شنوا و بیناست، فرمود: «خدا شنوا و بیناست. شنواست بدون عضو، بیناست بدون ابزار، بلکه به ذات خود می‌شنود و به ذات خود می‌بیند و اینکه گویم به ذات خود می‌شنود، معنایش این نیست که شنیدن او چیزی است و ذات او چیز دیگر؛ ولی چون تو از من پرسیدی برای فهمانیدن به تو خواستم آنچه در دل دارم به لفظ آورم. پس می‌گویم خدا می‌شنود به تمام ذاتش؛ ولی نه به آن معنا که ذاتش جزء داشته باشد، چنان که تمام و کلیت وجودی ما دارای بعض است، بلکه مقصودم فهمانیدن به تو

و تعبیر از ضمیرم بود و بازگشت سختم به این است که او شنوا بینا، دانا، آگاه است، بدون آنکه ذات و صفتش اختلاف و کثرت پیدا کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۰۸).

روایاتی که نقشه راه را به انسان نشان می دهد. امام صادق (ع) فرمودند: «الْعَامِلُ عَلَيَّ غَيْرَ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَيَّ غَيْرِ الطَّرِيقِ وَ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا؛ کسی که به چیزی غیر از دوراندیشی خود عمل می کند، مانند کسی است که در راهی دیگر قدم می گذارد، و دور شدن از راه، او را دورتر می کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۲۱)؛ ۷- در روایت دیگر بصیرت؛ مایه ای هدایت و تدبیر سبب پیدایش بصیرت شده و آن حضرت می فرماید: «كَيْفَ يَهْتَدِي مَنْ لَمْ يُبْصِرْ وَ كَيْفَ يُبْصِرُ مَنْ لَمْ يَتَدَبَّرْ» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۰۷)؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۱۱۶)؛ چگونه هدایت پذیرد آن که بصیرت ندارد و چگونه بصیرت یابد آن که تدبیر ندارد. ۸- همچنین آن حضرت جهل را مایه هلاکت و بصیرت و تعقل را باعث هدایت دانسته می فرماید: «تَاءَ مَنْ جَهَلَ وَ اهْتَدَى مَنْ أَبْصَرَ وَ عَقَلَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۸)؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۰۷)؛ هر که جهالت ورزید هلاک شد و هر که با دیده ی بصیرت نگرست و تعقل کرد، هدایت یافت.

در روایتی دیگر شرط رسیدن به دانش واقعی بصیرت معرفی شده است. امام علی (ع) فرمودند: «لَا عِلْمَ لِمَنْ لَا بَصِيرَةَ لَهُ» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۷۸۳)؛ کسی که بصیرت و بینایی ندارد، دانش ندارد (رسولی محلاتی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۶۰). ۱۰- داشتن بصیرت به معنای داشتن ایمان است. امام صادق (ع) فرمودند: شما را چه به بیزاری جستن؟! این یکی، از آن یکی، بیزاری می جوید! همانا مؤمنان، برخی شان، برتر از برخی دیگرند. برخی شان، بیش تر از برخی دیگر، نماز می خوانند. برخی شان، از بصیرت بیش تری برخوردارند. اینها درجات است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۵)؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۴۲۹). که در این جا مراد از درجات، ایمان است همان گونه که خدای متعال می فرماید: «...هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ...» (آل عمران/۱۶۳). امام کاظم (ع) در سفارش



به هشام بن حکم می‌فرماید: ای هشام! از این دنیا و مردم آن، بر حذر باش؛ زیرا مردم در دنیا چهار گروه اند: شخص افتاده در ورطه هلاکت و هماغوشِ هوس؛ طالب دانش و قرآن خوان که هر چه دانشش افزون گردد، بر غرورش افزوده شود و قرآن دانیِ خویش و دانش خود را وسیله گردن‌فرازی بر فرودستان خود سازد؛ عابد نادانی که هر کس را که در عبادت، از او کمتر است، کوچک‌شمارد و دوست بدارد که او را تعظیم و تکریم کنند؛ و صاحب بصیرتِ دانای آشنا به راه حق که دوست دارد حق را بر پای دارد؛ اما یا ناتوان است یا مغلوب و فرومانده که نمی‌تواند آنچه را می‌داند، به کار ببندد و از این رو، اندوهناک و غم زده است. پس او، بهترین فردِ روزگار خود و خردمندترینِ آنان است (ابن شعبه، ۱۳۹۳: ۴۰۰؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۸: ۳۱۶).

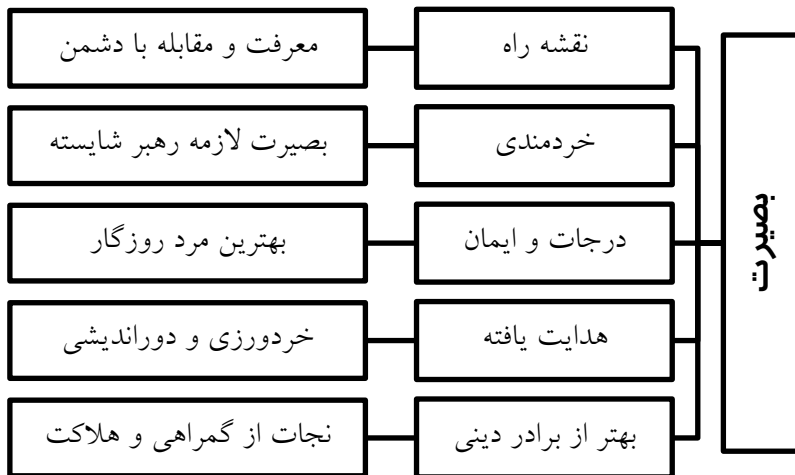
امیرمؤمنان (ع) نیاز انسان به بصیرت و تأمل برای آگاهی از سود و زیان خویش را لازمِ خردورزی دوراندیشانه شمرده و عمل از روی نادانی را سببِ خسران و بدفرجامی دانسته است:

«فَالنَّاطِرُ بِالْقَلْبِ الْعَامِلِ بِالْبَصْرِ يَكُونُ مُتَبَدِّئًا عَمَلِهِ أَنْ يَعْلَمَ أَعْمَلُهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَضَى فِيهِ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَقَفَ عَنْهُ، فَإِنَّ الْعَامِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا يَزِيدُهُ بَعْدَهُ عَنِ الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ إِلَّا بُعْدًا مِنْ حَاجَتِهِ وَ الْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ أَسَائِرٌ هُوَ أَمْ رَاجِعٌ» (نهج البلاغه: خ ۱۵۴)؛ آن کس که با چشم دل بنگرد و با دیده درون کار کند، آغاز کارش اندیشیدن در نتیجه کار خویش است که آیا به سود وی یا به زیان اوست؟ اگر سودمند است، ادامه دهد و چنانچه زیانبار است، توقف کند، زیرا عمل بدون آگاهی مانند بیراهه رفتن است و شتاب بیشتر، دوری فزون‌تر از مقصد را سبب می‌شود و کار از سر دانایی، همانند رفتن بر راه راست است، پس باید نیک بنگرد آیا رونده راه است یا واپسگرا (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۳۸۷).

نجات از گمراهی و هلاکت: گفتار و رفتار ناآگاهانه قطعاً به هلاکت و گمراهی می‌انجامد. جهالت، ریشه هلاکت است و عدم بصیرت، سرچشمه گمراهی. مفضل می‌گوید امام صادق (ع) به من فرمود: تو را از دو خصلت نهی می‌کنم که هلاکت افراد در آن دوست: یکی



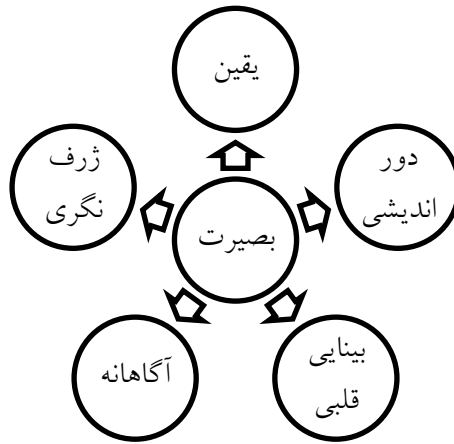
اینکه خدا را از طریق باطل معتقد شوی و دیگر اینکه از روی آنچه بدان علم نداری فتوا دهی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۱۳). مدل مفهوم بصیرت از منظر منابع روایی در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



نگاره (۳) مدل مفهوم بصیرت از منظر منابع روایی

۴. مدل مفهومی جامع (ترکیب مفاهیم لغوی، تفسیری و روایی)

با عنایت به مفاهیم لغوی، تفسیری و روایی واژه بصیرت، به نظر می‌رسد معنای اصلی آن: یقین، ژرف‌نگری، آگاهانه، بینایی قلبی، دوراندیشی و... است و اهل بصیرت سعی می‌کند در تصمیمشان به آن معانی دقت داشته باشند. مدل مفهومی جامع (ترکیب مفاهیم لغوی، تفسیری و روایی) در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



نگاره (۴) مفهوم جامع (ترکیب مفاهیم لغوی، تفسیری و روایی) بصیرت

۵. تحلیل مدیریتی واژه بر اساس آیات منتخب

یکی از وظایف مهم مدیریت، تصمیم‌گیری است. بدون شک امروزه پش‌رفت سازمان بستگی به تصمیم‌گیری مدیران دارد. زیرا مدیران در سازمان همواره در حال تصمیم‌گیری هستند. همه مدیران با فراگرد تصمیم‌گیری سروکار دارند؛ زیرا حرفه آنان چنین اقتضا می‌کند (رضائیان، ۱۳۸۷: ۱۳۴). اندکی تأمل در زندگی فردی و فعالیت‌های سازمان نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری جزئی جدایی‌ناپذیر و عنصر حیاتی آن است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۱۶). برای آنکه تصمیم‌گیری مؤثر واقع شود، اندیشمندان و صاحبان نظر در دانش مدیریت به ذکر عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری اشاره نمودند که در اینجا به بخش آنها در قالب جدول اشاره می‌شود.

عوامل تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری، در دانش مدیریت رایج			
۱	تصمیم‌های برنامه‌ریزی شده	۸	واکنش سازمان نسبت به تصمیم‌گیری



کیفیت و کمیت اطلاعات موجود	۹	تصمیم‌های برنامه‌ریزی نشده	۲
میزان پذیرش و حمایت	۱۰	سلسله‌مراتب و سطح سازمانی	۳
توانایی شخصی تصمیم- گیرنده	۱۱	زمان موجود برای تصمیم- گیری	۴
روش تصمیم‌های گذشته	۱۲	خطرپذیری مربوط به تصمیم	۵
علائق درونی	۱۳	رهنمودهای کتبی	۶
میزان خلاقیت (قاسمی، ۱۳۹۰:۳۲۳)	۱۴	حساس بودن ماهیت کار	۷

علی‌رغم اینکه امروزه بخش از کتب «رفتار سازمانی» را مطالب عوامل تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری به خود اختصاص داده است، اما باید اذعان نمود که هنوز آن عوامل کارایی و اثربخشی لازم را نداشته و مدیران در تصمیم‌گیری همچنان دچار خطا و اشتباه می‌شوند. انسان‌ها در تصمیم‌گیری خویش مستقل نبوده، بلکه در اختیار خدای متعال هستند آنجا که می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت/۳۳؛ آل عمران/۱۲۹-۱۲۸) انسان موجودی مستقل و رها نیست که هر تصمیمی بگیرد، بلکه در اختیار خالق هستی است و باید در تصمیم‌گیری، تابع خواست و اراده او باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۹۹). از اینرو آموزه‌های وحیانی از هزار و چهارصد سال قبل، عواملی را ذکر نموده است که با به-کارگیری آن در تصمیم‌گیری، باعث نجات مدیران و سازمان‌ها از باتلاق‌ها و ظلمت‌ها می‌شود که یکی از آن عوامل، بصیرت است.



اگر بصیرت داشته باشیم و موقعیت خود را بفهمیم و وظایف خود را دریابیم، هرگز در مقابل مشکلات تسلیم نشده و از انجام هر کاری که ما را در انجام آن تکالیف موفق سازد، فروگذار نخواهیم نمود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۳۱).

«بصیرت واقعی کسانی دارند که به فرموده امام علی (ع) «فإنما البصیر من سمع فنفکر و نظر فأبصر و انتفع بالعبیر، ثم سلك جَدَدًا واضحاً يتجنب فيه الصرعة في المهاوی و الضلال فی المغاوی؛ و لایعین علی نفسه الغواة بتعسف فی حق أو تحریف فی نطق أو تخوف من صدق» (نهج- البلاغه: خ ۱۵۳) هرچند بصیرت از شئون عقل نظری و در حوزه اندیشه است، ثمره حکمت عملی که با براهین علمی ثابت می‌شود، بر عهده عقل عملی است و در قلمرو انگیزه، از این رو در حدیث مذکور کسی به‌عنوان بصیر معرفی شد که سالک کوی وصال بوده و از ضلال بپرهیزد و از معاشرت غاویان دوری جوید و هیچ تبهکاری را بر خویشتن مسلط نکند» (جوادی املی، ۱۳۹۴، ج ۲۶: ۵۰۳).

بنابراین، بصیرت و بینایی حقیقی در فرهنگ قرآن و حدیث، به معنای جامع‌نگری و آینده‌نگری علمی و عملی است و کسانی «بصیر» نامیده می‌شوند که در پرتو بینش صحیح، در جهت تأمین منافع مادی و معنوی، و دنیا و آخرت خود، حرکت کنند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۱۹). با روشن شدن معنای لغوی، اصطلاحی، روایی و تفسیری واژه بصیرت، نقش آن در تصمیم‌گیری بیش‌تر قابل‌درک است. همان‌گونه که خدای متعال به‌عنوان ابر‌مدیر و انبیا و الیاء او به‌عنوان مدیران میانی دارای صفات بصیرت هستند، امروزه مدیران اسلامی نیز می‌توانند با الگوگیری از خدای متعال و مدیران او، بصیرت را در وجود خودشان نهادینه و افزایش داده و در مدیریت خویش برای نجات از ظلمت‌ها تصمیم‌گیری از آن بهره‌ورند. از خصایص بصیرت آن است که مدیران را در «فتنه‌ها» نجات، در «تشخیص حق از باطل» یاری، در «مشکلات» عبرت‌گیری، در «گمراهی» راهنمایی کرده و پست و مقام را در نزدش وسیله تکامل و سعادت



دنيا و آخرت جلوه می‌دهد. انسان نیز اگر با بصیرت زندگی کند، دنیا برای او وسیله تکامل است، ولی اگر هدف خلقت را فراموش کند و خود را به وسایل بازی، لهو و لعب مشغول سازد، خسارت کرده است. کسی که بخواهد مهذب باشد، باید با دنیا بجنگد، زیرا انسان در میدان بازی و چهارسوق دنیا قرار دارد و به‌ناچار باید زندگی، کار، معاشرت و معامله‌ای داشته باشد و علمی فراهم کند، چون این‌ها هم چهره الهی و هم چهره دنیایی دارد، ناچار به مبارزه برمی‌خیزد تا خود را از لهو و لعب و بازیگری و بازیچه برهاند: و برای رهایی، از پنجه بازیچه و بازیگری ناچار است که بازیچه را بشناسد و نیز مسلح باشد تا بتواند در برابر بازیچه به مبارزه برخیزد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۴۰).

بنابراین، یکی از عواملی که در آموزه‌های وحیانی، نقش کلیدی در تصمیم‌گیری داشته و به‌ظاهر می‌رسد در دانش مدیریت رایج نبوده، بصیرت است. بصیرت داشتن نه تنها در تصمیم‌گیری بلکه در تمام عرصه‌های زندگی بشر مخصوصاً مدیران کارایی و اثربخشی دارد. در اینکه داشتن بصیرت در مدیریت دارای چه آثار و فوایدی است؟ چه عواملی باعث افزایش بصیرت شده و چه عواملی باعث بی‌بصیرتی می‌شود؟ در جدول زیر به صورت فهرست‌وار اشاره می‌شود.



آثار بصیرت	داناتی	تیزهوشی
	ایمان	دین معایب خود
	عبرت‌آموختن	انجام کارهای نیک
	دوراندیشی	درستی درون‌ها
	شجاعت	رسیدن به راه سلامت
عوامل افزایش بصیرت	اندیشیدن	خردمندی
	دانش‌آموزی	عبرت‌آموزی
	پروای از خدا	یاد خدا
	اخلاص	پارسایی
	نصیحت‌پذیری	به پیشواز رفتن کارها
	گرسنگی	دعا
عوامل موانع	لجاجت و خیره‌سازی	عمل نکردن به علم
	غفلت	آرزوهای طولانی
	گرایش به دنیا	پیروی از هوای نفس

نتیجه

تصمیم‌گیری، به عنوان یکی از ارکان بنیادین در دانش مدیریت، نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت سازمان‌ها، نهادهای عمومی و حتی کشورها ایفا می‌کند. اگرچه ادبیات مدیریت رفتار سازمانی تلاش‌های متعددی برای تبیین چارچوب‌های تصمیم‌گیری مؤثر انجام داده است، اما واقعیت نشان می‌دهد که ناکامی‌ها و چالش‌های سازمانی همچنان بخش عمده‌ای از آن به عدم اتخاذ تصمیمات صحیح نسبت داده می‌شود. در تقابل با رویکردهای رایج مدیریتی، آموزه‌های وحیانی از آغاز تاریخ بشر، ضوابط و عواملی را برای دستیابی به تصمیم‌گیری درست ترسیم کرده‌اند که رعایت آن‌ها می‌تواند منجر به موفقیت پایدار گردد.



بر اساس این آموزه‌ها، «بصیرت» به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فرآیند تصمیم‌گیری صحیح شناخته می‌شود. لغت‌شناسان و مفسران اسلامی معانی متعددی برای این واژه برشمرده‌اند که برجسته‌ترین آن‌ها عبارتند از: یقین دور از تقلید، ژرف‌نگری، آگاهی آگاهانه و علم عمیق. آیات الهی و سیره عملی رهبران دینی گواهی می‌دهد که این بزرگان نه تنها خود از درجه بالایی از بصیرت برخوردار بودند و بهترین تصمیمات را در امور شخصی و اجتماعی اتخاذ می‌کردند، بلکه الگوهای روشنی را نیز برای دیگران ترسیم نموده‌اند.

بر اساس این دیدگاه، افراد بصیر در میان تاریکی‌ها مسیر هدایت را یافته و در فتنه‌ها، تمایز میان حق و باطل را به خوبی تشخیص می‌دهند. آموزه‌های دینی برتری افراد بصیر را بر افراد فاقد بصیرت، حتی در صورت اشتراک در نسب و خاستگاه، تأکید می‌کنند. همچنین، مدیران و رهبران بصیر، دنیا و دارایی‌های آن را نه هدف نهایی، بلکه ابزاری برای رسیدن به کمال و آخرت می‌دانند. کاربرد مدیریتی مفهوم بصیرت در این است که اگر مدیران و رهبران با الگوبرداری از سیره رهبران الهی، این ویژگی را در خود پرورش دهند، قادر خواهند بود تصمیمات راهبردی و دقیقی اتخاذ کنند. این رویکرد نه تنها آن‌ها و سازمانشان را از گزند فتنه‌ها و چالش‌های پیش‌رو مصون می‌دارد، بلکه موجب پیشرفت و تعالی پیروان و سازمان نیز خواهد شد.



منابع

* قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر،

قم: ۱۳۸۳.

۱. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۳.

۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی،

۱۴۰۸.

۴. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد،

آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸.

۵. اریانی، مطهر بن علی، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دمشق، دارالفکر،

۱۴۲۰.

۶. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.

۷. الوانی، سید مهدی، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران، انتشارات سمت،

۱۳۷۱.

۸. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی،

۱۴۱۰.

۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان، تفسیر روایی البرهان، تهران، نهاد کتابخانه‌های عمومی

سراسر کشور، ۱۳۸۹.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، پند جاوید، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.

۱۱. _____، ادب فنای مقربان، جلد ۲، _____، ۱۳۸۸.



۱۲. _____، ادب فنای مقربان، _____، ۱۳۹۳.
۱۳. _____، ادب قضا در اسلام، _____، ۱۳۹۰.
۱۴. _____، تفسیر تسنیم، جلد ۲۶، _____، ۱۳۹۴.
۱۵. _____، قرآن حکیم از منظر امام رضا (ع)، _____، ۱۳۸۹.
۱۶. _____، مفاتیح الحیاء، _____، ۱۳۹۶.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت-لبنان، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴.
۱۸. حکیمی، عبدالمؤمن، الگوی واژه‌پژوهی در مطالعات قرآنی و تحلیل مدیریتی آن (با کاربست واژه تبیین)، دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآن و علوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۱۹. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۲۰. رسولی محلاتی، سید هاشم، غررالحکم و دررالکلم آمدی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۱. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷.
۲۲. رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت-لبنان، دارالشامیه، ۱۴۱۲.
۲۴. زبیدی، ماجد ناصر، التیسیر فی التفسیر للقرآن بروایه اهل البیت، بیروت، دار المحججه البیضاء، ۱۴۲۸.
۲۵. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۱.



۲۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.
۲۷. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، وسائل الشیعه، قم، آل‌البت، ۱۴۱۴.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۷۲.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۴۱۲.
۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد علی، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۳۱. فراهیدی، خلیل ابن احمد، کتاب العین، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۳۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵.
۳۳. قاسمی، بهروز، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سپاهان، ۱۳۹۰.
۳۴. قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، نیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵.
۳۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۶. کاشانی، مهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۳۶.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالثقلین، ۱۳۹۳.
۳۹. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، تهران، المکتبه اسلامی، ۱۳۸۶.
۴۰. محمدی ری‌شهری، محمد، فرهنگ‌نامه بصیرت، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.
۴۱. مصباح یزدی، محمدتقی، پند جاوید، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.



۴۲. مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، مرکز نشر آثار علامه

مصطفوی، ۱۳۸۵.

۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (با همکاری جمعی از فضلا)، پیام قرآن، تهران، دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۸۶.

۴۴. میدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله

انصاری)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

References

The Holy Qur'an, trans. Mohammad-Ali Rezaei Isfahani, Qom: Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, ۱۳۸۳ (SH).

۱. Ibn Shu'bah, Hasan ibn 'Ali, Tuhaful-'Uqul, Qom: Dar al-Hadith Cultural Institute, ۱۳۹۳ (SH).
۲. Ibn Faris, Ahmad ibn Faris, Mu'jam Maqayis al-Lughah, Qom: Maktab al-I'lam al-Islami, ۱۴۰۴ (AH).
۳. Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram, Lisan al-'Arab, Beirut, Lebanon: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi, ۱۴۰۸ (AH).
۴. Abu al-Futuh al-Razi, Husayn ibn 'Ali, Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi Tafsir al-Qur'an, Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, ۱۴۰۸ (AH).
۵. Aryani, Mutahhar ibn 'Ali, Shams al-'Ulum wa Dawa' Kalam al-'Arab min al-Kulum, Damascus: Dar al-Fikr, ۱۴۲۰ (AH).
۶. Ashkuri, Muhammad ibn 'Ali, Tafsir-e Sharif-e Lahiji, Tehran: Daad Publishing Office, ۱۳۷۳ (SH).
۷. Alvani, Seyyed Mehdi, Decision-Making and Public Policy Determination, Tehran: SAMT Publications, ۱۳۷۱ (SH).
۸. Amidi, 'Abd al-Wahid ibn Muhammad, Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, ۱۴۱۰ (AH).



۹. Bahrani, Hashim ibn Sulayman, Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an (Narrative Exegesis), Tehran: Iran Public Libraries Foundation, ۱۳۸۹ (SH).
۱۰. Javadi Amoli, 'Abdullah, Eternal Counsel, Qom: Markaz Nashr-e Esra', ۱۳۸۸ (SH).
۱۱. ——— The Etiquette of the Annihilation of the Near Ones, Vol. ۲, ۱۳۸۸ (SH).
۱۲. ——— The Etiquette of the Annihilation of the Near Ones, ۱۳۹۳ (SH).
۱۳. ——— The Etiquette of Divine Decree in Islam, ۱۳۹۰ (SH).
۱۴. ——— Tafsir Tasnim*, Vol. ۲۶, ۱۳۹۴ (SH).
۱۵. ——— The Noble Qur'an from the Perspective of Imam Reza (A.S.), ۱۳۸۹ (SH).
۱۶. ——— Mafatih al-Hayat, ۱۳۹۶ (SH).
۱۷. Jawhari, Isma'il ibn Hammad, Al-Sihah: Taj al-Lughah wa Sihah al-'Arabiyyah, Beirut, Lebanon: Dar al-'Ilm li-l-Malayin, ۱۴۰۴ (AH).
۱۸. Hakimi, 'Abd al-Mu'min, "A Model of Lexical Research in Qur'anic Studies and Its Managerial Analysis (with Application of the Word 'Obedience')," Scientific-Specialized Biannual Journal of Qur'anic Studies and Sciences, No. ۴, Autumn & Winter ۱۳۹۷ (SH).
۱۹. Huwayzi, 'Abd 'Ali ibn Jumu'ah, Tafsir Nur al-Thaqalayn, Qom: Isma'iliyan, ۱۴۱۵ (AH).
۲۰. Rasuli Mahallati, Seyyed Hashem, Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim by Amidi, Qom: Office for the Publication of Islamic Culture, ۱۳۷۷ (SH).
۲۱. Rezaeian, Ali, Foundations of Organization and Management, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (SAMT), ۱۳۸۷ (SH).
۲۲. Rafsanjani, Akbar, Farhang-e Qur'an (Encyclopedia of the Qur'an), Qom: Bustan-e Ketab, ۱۳۸۶ (SH).
۲۳. Raghیب al-Isfahani, Husayn ibn Muhammad, *Mufradat Alfaz al-Qur'an*, Beirut, Lebanon: Dar al-Shamiyyah, ۱۴۱۲ (AH).
۲۴. Zabidi, Majid Naser, Al-Taysir fi al-Tafsir li-l-Qur'an bi Riwayat Ahl al-Bayt, Beirut: Dar al-Mahajjah al-Bayda', ۱۴۲۸ (AH).



۲۵. Zuhayli, Wahbah, Al-Tafsir al-Munir fi al-'Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj, Damascus: Dar al-Fikr, ۱۴۱۱ (AH).
۲۶. Zamakhshari, Mahmud ibn 'Umar, Al-Kashshaf 'an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil, Beirut: Dar al-Kitab al-'Arabi, ۱۴۰۷ (AH).
۲۷. Shaykh Hurr al-'Amili, Muhammad ibn Hasan ibn 'Ali, Wasa'il al-Shi'ah, Qom: Al al-Bayt, ۱۴۱۴ (AH).
۲۸. Tabarsi, Fadl ibn Hasan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, ۱۳۷۲ (SH).
۲۹. Tabari, Muhammad ibn Jarir, Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, ۱۴۱۲ (AH).
۳۰. Turayhi, Fakhr al-Din ibn Muhammad 'Ali, Majma' al-Bahrayn, Tehran: Maktabat al-Murtadawiyyah, ۱۳۷۰ (SH).
۳۱. Farahidi, Khalil ibn Ahmad, Kitab al-'Ayn, Qom: Dar al-Hijrah Institute, ۱۴۰۹ (AH).
۳۲. Fayz Kashani, Muhammad ibn Shah Murtaza, Tafsir al-Safi, Tehran, Maktabat al-Sadr, ۱۴۱۰.
۳۳. Qasemi, Behrouz, Organizational Behavior Management, Tehran: Sepahan Publications, ۱۳۹۰ (SH).
۳۴. Qorashi Banabi, Ali-Akbar, Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran: Bonyad-e Bi'that, Printing and Publishing Center, ۱۳۷۰ (SH).
۳۵. Qomi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad-Reza, Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, ۱۳۶۸ (SH).
۳۶. Kashani, Mahj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin, Tehran: Islamiyeh Bookstore, ۱۳۳۶ (SH).
۳۷. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub, Al-Kafi, Tehran: Islamiyeh Publications, ۱۴۰۷ (AH).
۳۸. Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub, Usul al-Kafi, Tehran: Dar al-Thaqalayn, ۱۳۹۳ (SH).
۳۹. Majlisi, Muhammad-Baqir ibn Muhammad-Taqi, Bihar al-Anwar, Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah, ۱۳۸۶ (SH).



۴۰. Mohammadi Reyshahri, Muhammad, Farhangnameh-ye Basirat (Encyclopedia of Insight), Qom: Dar al-Hadith, ۱۳۸۸ (SH).
۴۱. Mesbah Yazdi, Muhammad-Taqi, Eternal Counsel, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, ۱۳۹۴ (SH).
۴۲. Mostafavi, Hasan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim, Tehran: Markaz Nashr-e Athar-e Allameh Mostafavi, ۱۳۸۵ (SH).
۴۳. Makarem Shirazi, Naser (with collaboration of a group of scholars), Payam-e Qur'an (The Message of the Qur'an), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۳۸۶ (SH).
۴۴. Maybudi, Ahmad ibn Muhammad, Kashf al-Asrar wa 'Uddat al-Abrar (known as the Tafsir of Khwaja 'Abdullah Ansari), Tehran: Amir Kabir, ۱۳۷۱ (SH).